



مزدک پنج‌ای

زندگی‌نوشت گلچین گیلانی

یادمان صدمین سال تولد شاعر ملی گیلان، گلچین گیلانی، روز جمعه ۹ مهر ۱۳۸۹ توسط حوزه هنری گیلان در شهر رشت برگزار شد.
مجدالدین میرفخرایی، که در آغاز شاعری با نام شعری گلچین گیلانی شناخته شده، به سال ۱۲۸۸ در خانهای نزدیک به سبزه‌میدان رشت چشم به جهان گشود. او فرزند مهدی و رفعت‌السادات بود.
مجدالدین دوره ابتدایی را در رشت گذراند (۱۳۰۴). یکی از معلمان او در این دوره، ابراهیم فخرایی از اعضای نهضت جنگل و روایتگر بعدی این نهضت بود.
گلچین سپس برای ادامه تحصیل به تهران رفت و دوره‌های نخست و دوم متوسطه را در مدرسه‌های سیروس و دارالفنون گذراند.
گلچین در دارالفنون شاگرد استادانی مانند عباس اقبال آشتیانی و حسن وحیددستگردی بود.
شاعر گیلانی برای ادامه تحصیل رشته زبان ادبیات فرانسوی (درس‌های فلسفه و علوم تربیتی) را در دارالمعلمین عالی و دانشگاه تربیت معلم برگزید.
گلچین پس از فراغت از تحصیل، در سال ۱۳۱۲ از طریق بندر انزلی به روسیه و اروپا رفت و سرانجام در انگلیس ملوا گرفت. پس از آموختن زبان انگلیسی، با توجه به رشته‌ای که وزارت و معارف ایران برای او مقرر کرده بود، به تحصیل در رشته ادبیات انگلیسی پرداخت. اما پس از مدتی، بی‌علاقگی خود را به این رشته نشان داد و با وجود مخالفت مقامات مسوول ایرانی، با گذراندن مقدماتی به تحصیل در رشته پزشکی دانشگاه لندن مشغول شد. او مشغول تحصیل در رشته پزشکی بود که شعله‌های جنگ جهانی دوم در گرفت و تحصیلیش مدتی به تعویق افتاد. وی برخلاف دیگر دانشجویان ایرانی، در انگلستان ماند و با گویندگی در فیلم‌های خبری و اخبار و حتی رانندگی آمبولانس، آن شرایط دشوار را سپری کرد.
تحصیلات گلچین در پزشکی عمومی و دوره تخصصی بیماری گرمسیری، سرانجام در سال ۱۹۲۷ م به پایان رسید. اما او در لندن اقامت کرد و به ایران بازنگشت. در این شهر مطب داشت و مشاور پزشکی سفارت ایران در لندن بود. علاوه بر این، از کمک به ایرانیانی که برای معالجه به انگلستان می‌آمدند، دریغ نداشت.
گلچین با ای جی آربری ایران‌شناس نامور انگلیسی دوستی داشت. شعرهای او را به انگلیسی برگردانده و شرح‌هایی درباره آنها نوشته است.
مسعود فرزاد، که سال‌ها در انگلستان اقامت داشت، دوستی صمیمانه‌ای با گلچین داشت. برخی شاعران و نویسندگان و ادیبان ایرانی، که به انگلستان سفرهای داشتند، نیز با او دوستی یافتند: غلامعلی رعدی‌آذرخش، پرویز ناتل خانلری، صادق چوبک، محمد اسلامی‌ندوش، محمد زهری، امیرحوشنگ ابتهاج(د.سایه) هم که پسرخاله گلچین بود، دیدارهایی با او در انگلستان داشت.
مجدالدین میرفخرایی در ۳۴سالگی، به ناگهان و به سبب سرطان پیشرفته، زندگی را در لندن بدرود گفت و در همین شهر به خاک سپرده شد– ۲۹ آذر ۱۳۵۱ (برابر با ۲۰ دسامبر ۱۹۷۲م).

اینجا رشت است، صدای ما را از شهر باران می‌شنوید:
جمعه ۹ مهرماه ۱۳۸۹
اینجا رشت است، صدای ما را از شهر باران می‌شنوید:
قرار است برای مجدالدین میرفخرایی (گلچین گیلانی) شاعر «باز باران با ترانه که چیزی نزدیک به ۴۰ سال شعرش زینت‌بخش کتاب درسی کلاس چهارم دبستان بود، توسط حوزه هنری گیلان نستستی تحت عنوان «یادمان صدمین سالگرد تولد شاعر ملی گیلان» برگزار شود.

تصورمان این بود که در روز جمعه به مناسبت یادمان صدمین سال تولد شاعر ملی گیلان، گلچین گیلانی، هوای رشت نیز بارانی خواهد شد و حس نوستالژیک‌مان را بیشتر خواهد کرد اما چنین نشد. از دوستان شاعر و نویسنده شنیدم شمس‌لنگرودی و رشید کاکاوند مهمان این یادمان هستند. شمس‌لنگرودی پنجشنبه ۸ مهر ۱۳۸۹ به رشت آمده چون دوستداران شعر و به بالایی علاقه‌مندان به هنر و ادبیات توانسته بودند با او در خانه فرهنگ گیلان نیز دیداری داشته باشند و چند ساعتی پی‌امون شعر

نگاهی به رباعیات ایرج زبردست

تجربه اوج در کلام

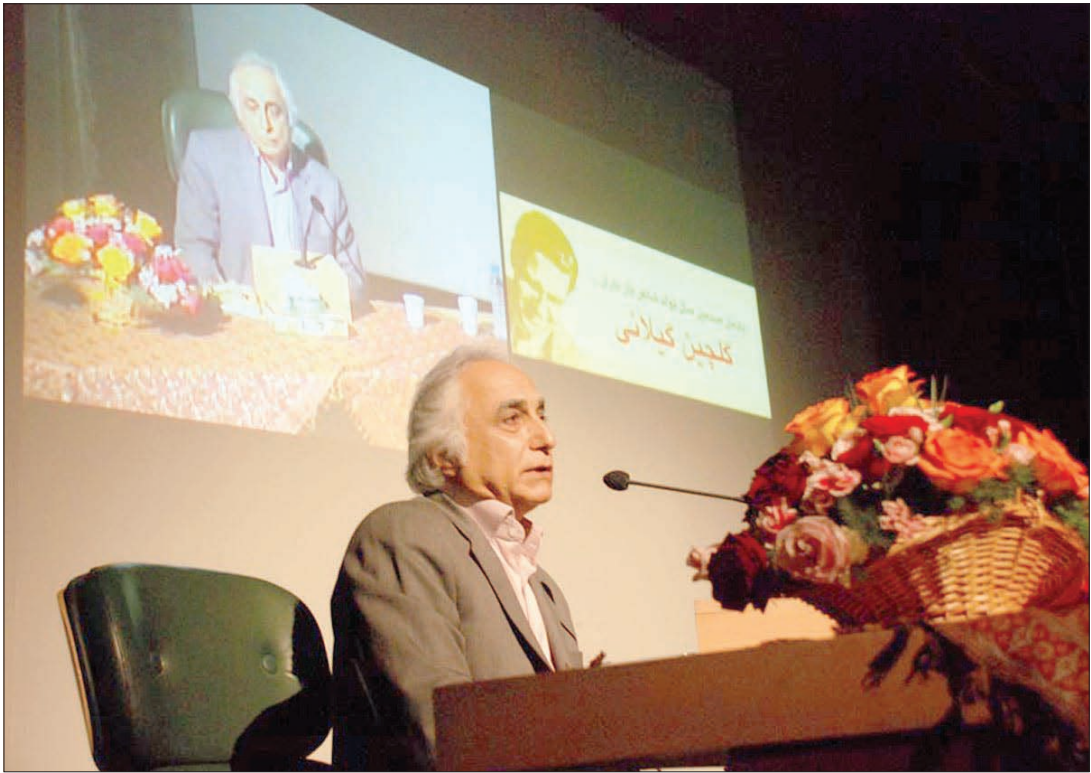


منصور اوجی

سال‌ها پیش در آغاز کار و شاعری ایرج زبردست در بخش پائینی ماصحبه‌ای که باپسا در مورد آثار او داشتم آورده بودم: «… به جرات می‌گویم بهترین رباعی‌سرایی امروز ایران ایرج زبردست است که امروز من و دیگران از آن سخن می‌گوییم و به ستایش کارهایش می‌پردازیم. بی‌شک در آینده هم آیندگان چنین خواهند کرد. به امید روزهای پربرتری برای او.»
که با گذر زمان و با چاپ یکی دو کتاب دیگر از او چنین شد و بزرگان نیز در مورد کارهای او به نیکی سخن گفتند و باز هم خواهند گفت.
و من اما امروز و در اینجا می‌خواهم از زائویه‌ای دیگر ناگهی‌گیری به چهار گانه‌های او ببیندارم از زایوه تجربه اولی و اتفاق افتادن این تجربه در کلام و زبان او، اما تجربه اوجی!ابراهام مزلو روانشناس سرشناس آمریکایی، دو گروه تقسیم می‌کند: Peckers و Non Peckers. اوج‌گرایان و غیراوج‌گرایان، و می‌گوید افراد خودشکوفای غیراوج‌گرا در میان افراد موفق جامعه می‌توان یافت؛ سیاستمداران، تکنوکرات‌ها، اصلاح‌طلبان، فعالان بالای جامعه، و افراد خوششکوفای اوج‌گرا در میان هنرمندان، شاعران، موسیقیدانان، نقاشان و در میان اهل عرفان و فلسفه، و برای این گروه ویژگی‌های چندری ابرمی‌شورد که یکی از آنها فریندگی و خلاقیت است و سرانجام

گزارشی از یادمان صدمین سال تولد شاعر ملی گیلان– گلچین گیلانی

گلچین؛ حرمت شعر گیلان است



در اولین مرحله به شکستن قالب دست می‌زند، در دوره‌ای که هیچ کس پشت نیما قرار نداشت. او اولین فردی است که پشت نیما قرار می‌گیرد.
گلچین و تعدادی از شاعران بعد از او را می‌توان جزء شاعران بنیابین قرار داد؛ شاعرانی که نه سنتگرا هستند و نه نوگرا؛ شاعرانی چون نادر پور، فریدون تولی و… که یک پا در سنت داشتند و یک پا در جهان نو. آنها نیما و جریان شعری‌اش را به عنوان یک ضرورت تاریخی پذیرفته بودند.

قالب شعر گلچین
این شاعر و منتقد آذنان کرد: شما ببینید گلچین قالبی که برای شعر «باز باران» برمی‌گزیند، قالبی

نکنه.

گلچین قالبی که برای شعر «باز باران» برمی‌گزیند، قالبی است که هم سنتی واقع چهار باره قالبی است که او برای بروز احساسات خود انتخاب کرده است. گلچین نگاه رمانتیکی داشته و زبان ملایمی دارد
گلچین قالبی که برای شعر «باز باران» برمی‌گزیند، قالبی است که هم سنتی واقع چهار باره قالبی است که او برای بروز احساسات خود انتخاب کرده است. گلچین نگاه رمانتیکی داشته و زبان ملایمی دارد
گلچین قالبی که برای شعر «باز باران» برمی‌گزیند، قالبی است که هم سنتی واقع چهار باره قالبی است که او برای بروز احساسات خود انتخاب کرده است. گلچین نگاه رمانتیکی داشته و زبان ملایمی دارد
گلچین قالبی که برای شعر «باز باران» برمی‌گزیند، قالبی است که هم سنتی واقع چهار باره قالبی است که او برای بروز احساسات خود انتخاب کرده است. گلچین نگاه رمانتیکی داشته و زبان ملایمی دارد

است که هم سنتی است و هم نو. در واقع چهارپاره قالبی است که او برای بروز احساسات خود انتخاب کرده است. شاملو، فروغ و نصرت نیز با چهارپاره شروع کردند.

نگاه رمانتیک و زبان ملایم

کاکاوند افزود: گلچین نگاه رمانتیکی داشته و زبان ملایمی دارد که از ویژگی‌های شعر سنتی ماست. مردم ما به خاطر باور و علاقه به شعر سنتی به شاعرانی چون **گلچین** بسیار علاقه **نشان می‌دهند** و شاید از این جهت است که **شاعران نوگرا نسبت به شاعران بنیابین کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.**

گلچین قالبی که برای شعر «باز باران» برمی‌گزیند، قالبی است که هم سنتی واقع چهار باره قالبی است که او برای بروز احساسات خود انتخاب کرده است. گلچین نگاه رمانتیکی داشته و زبان ملایمی دارد
گلچین قالبی که برای شعر «باز باران» برمی‌گزیند، قالبی است که هم سنتی واقع چهار باره قالبی است که او برای بروز احساسات خود انتخاب کرده است. گلچین نگاه رمانتیکی داشته و زبان ملایمی دارد
گلچین قالبی که برای شعر «باز باران» برمی‌گزیند، قالبی است که هم سنتی واقع چهار باره قالبی است که او برای بروز احساسات خود انتخاب کرده است. گلچین نگاه رمانتیکی داشته و زبان ملایمی دارد
گلچین قالبی که برای شعر «باز باران» برمی‌گزیند، قالبی است که هم سنتی واقع چهار باره قالبی است که او برای بروز احساسات خود انتخاب کرده است. گلچین نگاه رمانتیکی داشته و زبان ملایمی دارد

ایرج زبردست شیرازی در تاریخ رباعی‌سرایی ایران یک استثناست و سروده‌های اخیرش نیز تأکیدی برای تصدیق‌گفته‌هایم است. با من همراه شوید تا تجربه‌های اوج و پرده از رُخ برگرفتن شعر در زبان را در چند رباعی او تجربه کنیم:
*
من فلسفه خاکیم و هستم تا نیست
یعنی که رسیدام به هستی با نیست
در من تب تکرار ازل پیچیده است:
جایی برسم که هیچ هم آنجا نیست
تاگاه کسی به سمت در می‌آید
در می‌زند، انتظار سر می‌آید
من: فرصت آخرین تماشای جهان
من: آن خیرم که بی‌خبر می‌آید
*
با سمت عبور مرگ از فانی‌به‌هاست
یا مرگ، درون سمت، بی‌سمت رهاست
من خیره به هر چه سمت
من خیره به…
مرگ:
آن سوی من و سمت کسی هست که: ماست.
هر لحظه هزار لحظه می‌زاید و… بعد؟!
لحظه همه را همیشه می‌پاید و… بعد؟!
لحظه که پرید ناگهان از همه سو
آن کرس بی‌حصوله می‌آید و… بعد؟!
من هوش اقبای جهان، من ناداست
در من خرد هزار و یک مولاتاست
… من با همه…
… من بی‌همه…
… من شکر به…
… من شکی همه…
من آن لغتم که هر لغت را معناست

زاده بابایی‌زاد

گفت‌وگو با خلیل پروینی

ادبیات تطبیقی در ایران، نوزاد نوپا

ادبیات تطبیقی که در زبان‌های عربی و انگلیسی به آن «الادبالمقارن» و «comparative literature» می‌گویند، به عنوان یک شاخه علمی در ادبیات و مطالعات ادبی و نقدی، رشته جدیدالتاسیسی است که معنای علمی آن به قرن ۱۹ برمی‌گردد. ریشه پیدایش این علم را باید در قرن‌های ۱۵ و ۱۶ یعنی عصر رنسانس جست‌وجو کرد که مجموعه عوامل فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، دینی دست به دست هم دادند تا در قرن ۱۹ که عصر پیدایش بسیاری از علوم انسانی بوده، علمی به نام ادبیات تطبیقی پیدا شود. در همین راستا با دکتر خلیل پروینی استاد زبان و ادبیات عربی دانشگاه تربیت مدرس به گفت‌وگو نشستیم.

– **به عنوان اولین سوال، جنابعالی از ادبیات تطبیقی چه برداشتی دارید؟**

ادبیات تطبیقی یعنی بررسی روابط و مناسبات ادبیات‌ها با یکدیگر، بررسی رابطه ادبیات با هنرهای زیبا مانند موسیقی، نگارگری، سینما و معماری و همچنین بررسی رابطه ادبیات با سایر علوم انسانی مانند روانشناسی، جامعه‌شناسی، علم‌الادیان و فلسفه این تعریف می‌تواند به عنوان یک تعریف جامع از ادبیات تطبیقی تلقی شود که مکاتب گوناگون را دربر می‌گیرد. البته تک‌تک جملات آن نیاز به شرح و توضیح دارد.

– **زادگاه ادبیات تطبیقی کجاست؟**

همگان آذعان دارند که زادگاه و پرورشگاه ادبیات تطبیقی کشور فرانسه بوده است، اما دیری نپایید که این نوزاد در پرورشگاه‌های دیگری نیز رشد و نمو یافت تا جایی که امروزه ادبیات تطبیقی در تمام محافل ادبی و مراکز دانشگاهی معتبر دنیا جایگاه چشمگیری دارد و علاوه بر تأسیس رشته ادبیات تطبیقی یا حداقل داشتن واحدهای درسی به نام ادبیات تطبیقی در دانشگاه‌ها، مجلات تخصصی و برگزاری نشست‌های تخصصی ادبیات تطبیقی جزء جداناپذیر ادبیات امروز شده‌است.

– **ادبیات تطبیقی چه موضوعاتی را دربرمی‌گیرد؟**

وقتی می‌گوییم بررسی رابطه ادبیات‌ها با یکدیگر، می‌توانیم موضوعات مختلف را بین ادبیات‌های ملل بررسی کنیم مثل اجناس ادبی، داد و ستد زبانی، افکار و تم‌ها و اسطوره‌ها میان ادبیات‌ها، در بررسی ادبیات با هنرهای زیبا مشخص است که این عرصه به ادبیات تطبیقی مر تب‌م می‌شود زیرا ادبیات یکی از هنرهای زیباست. بنابراین در هنر بودن ادبیات شکی نیست، حال ببینیم چه ارتباطی بین ادبیات و سایر هنرهای زیبا می‌تواند وجود داشته باشد. در بخشی از تعریف ادبیات تطبیقی که گفتیم ادبیات تطبیقی به بررسی روابط ادبیات با سایر علوم انسانی می‌پردازد، نیز بخشی از حوزه فعالیت ادبیات تطبیقی مشخص شده اما بررسی رابطه ادبیات، با دیگر هنرهای زیبا باید از چه نگاهی و با چه رویکردی صورت گیرد. اینجاست که اختلاف نظر میان مکاتب ادبیات تطبیقی پدید می‌آید.اگر ما رابطه ادبیات‌ها را با یکدیگر لزوماً بر اساس ردیابی روابط تاریخی و بررسی داد و ستدهای آنها بدانیم، این نوع نگاه و رویکرد متعلق به مکتب سنتی فرانسوی‌هاست که البته همچنان از قوت و قدرت برخوردار است اما اگر رابطه ادبیات‌ها را با یکدیگر بر اساس تشابه میان آنها بررسی کنیم این نوع نگاه هم از نوع نگاه مکتب آمریکایی و مکتب اروپای شرقی است. البته اندکی متفاوت است. رابطه ادبیات‌ها با هنرهای زیبا و رابطه با علوم انسانی از جمله وظایف مکتب آمریکایی است که از توسع و تسامح بیشتری در فعالیت‌های تطبیقی نسبت به مکتب فرانسوی برخوردار است.

– **پیش از پرداختن به شواهد زنده و گویای تاثیر و تاثر در ادبیات تطبیقی کمی از تاریخچه ادبیات تطبیقی در ایران بفرمایید.**

دکتر فاطمه سیاح در سال ۱۳۱۷ کرسی سنجش ادبیات تطبیقی در دانشگاه تهران را بنیان گذاشت.مرگ زودهنگام او تلاش‌های زیادت در عرصه ادبیات تطبیقی در آن زمان را عقیم گذاشت. در سال ۱۳۲۳ دکتر محمد محمدی رئیس گروه زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه بیروت و رئیس دانشکده الهیات دانشگاه تهران از پیشگامان ادبیات تطبیقی در ایران به‌شمار می‌رفت که متفلسفه فعالیت‌های زبانی‌شان شخصیت فرهیخته آنچنان که باید و شاید، در ایران شناخته شده نیست.
وی در سال ۱۳۵۹ مجله‌ای به نام «الدراسات اللغویه» را در بیروت منتشر کرد که پس از مرگ او همچنان تا امروز انتشار آن ادامه دارد. این مجله گنجینه‌ای است از تطبیق‌های عملی میان دو ادبیات فارسی و عربی از جمله اسنادید دیگری که در این حوزه فعالیت کرد دکتر جواد حدیدی است که او را باید بحق پدر ادبیات تطبیقی ایران نامید. او با اخذ مدرک دکتر از دانشگاه سوربن فرانسه، اقدام به عرضه پژوهش‌های تطبیقی کرده است، به‌طوری که آثار تطبیقی او نمونه علمی و عملی از مکتب فرانسوی‌ها در ادبیات تطبیقی است که از معروف‌ترین آثارشان می‌توان به «برخورد اندیشه‌ها» «ز سدی تا آن روز» و «اسلام از نظر ولتر» اشاره کرد.

– **فایده ادبیات تطبیقی در چیست؟**

از آنجا که وظیفه ادبیات تطبیقی سنجش و مقایسه و تطبیق ادبیات‌ها با یکدیگر است، خود این مقایسه و تطبیق جوهره فایده ادبیات تطبیقی را نشان می‌دهد چراکه در مقایسه و تطبیق دیگری را دیدن وجود دارد اما در عدم موازنه تنها خود را دیدن. در موازنه قانع نشدن وجود دارد اما در عدم موازنه قانع کردن. در موازنه آزادی عمل و اختیار و در عدم موازنه ادبیات تطبیقی در به تفاهم روح ملتها و نزدیک شدن آنها به یکدیگر کمک شایانی می‌کند.این ادبیات است که اعماق روح ملتها را نشان می‌دهد بنابراین با بررسی روابط ادبیات‌ها با یکدیگر ما با روح ملتها آشنا می‌شویم، گفت‌وگو می‌کنیم و به تفاهم می‌رسیم، لذا ادبیات تطبیقی به تفاهم میان ملتها کمک شایانی می‌کند.اصلا هدف اصلی پیدایش ادبیات تطبیقی نگاه انسانی فارغ از تعصبات ملی، قومی و قبیله‌ای بوده است. هر چند این رویکرد انسان‌محورانه در مسیر فراز و نشیب ادبیات تطبیقی بعضاً دچار آسیب‌هایی نیز شده است اما روح ادبیات تطبیقی بایگر وجود اندیشه‌های انسانی در ذهن و خمیر بیناگنگاران آن بوده است. انسان‌های بزرگی که عرصه ادبیات تطبیقی فعالیت می‌کرده‌اند این علم را از این خطرات نجات داده‌اند و اینک که ما در قرن ۲۱ هستیم، سواسسته‌اف از ادبیات تطبیقی برای در دام تعصب انداختن تقریباً به صفر می‌رسد. نکته دیگر این است که با بررسی ادبیات کشورهای اسلامی می‌توان در مقابل خطرات احتمالی نقشه بود.

– **اگر ادبیات تطبیقی به وحدت و تفاهم ملتها کمک می‌کند آیا ملت‌های اسلامی می‌توانند از ادبیات تطبیقی برای وحدت و تفاهم بیشتر میان خود استفاده کنند؟**
سوال بسیار خوبی کردید. در جواب باید بگویم اگر ادبیات تطبیقی علم بررسی روابط ادبیات‌ها با یکدیگر است بنابراین بررسی روابط و مناسبات و وجوه تشابه ادبیات‌های ملل اسلامی که همگی کم و زیاد تحت تاثیر روح اسلامی واقع شده‌اند، می‌تواند کمک بسیار شایانی به تعامل ملت‌های مسلمان با یکدیگر و در نتیجه دفع برخی خطرات فرهنگی باشد. این مساله را نخستین بار محمد اقبال لاهوری ملقب به علامه اقبال شاعر و فیلسوف مسلمان مطرح کرد. او اعتقاد داشت یک مسلمان باید با ادبیات ملت‌های مسلمان دیگر آشنا باشد چراکه تنها از این طریق اتحاد مسلمانان امکان‌پذیر است.این اندیشه اقبال توسط اندیشمندان دیگر مانند طه ندا و دکتر حسین نجیب‌المصری در کشورهای عربی پیگیری، باور و تقویت شد. همین اندیشه خام با پژوهش‌های علمی و تطبیقی میان ادبیات ملل اسلامی تبدیل به نظریه ادبیات تطبیقی اسلامی شد که اینجانب در یک مقاله زوایای پیدا و پنهان این نظریه را شکافته و روشن کردم.

– **نمونه‌ای از بررسی روابط و مناسبات ادبیات‌ها را ذکر کنید.**
در زمینه نمونه ادبیات ادبیات‌ها می‌توان موارد زیادی را ذکر کرد مثلاً تاثیر رباعیات خیام بر ادبیات جهان. همان طور که می‌دانیم ما ایرانی‌ها تا سده‌های اخیر عمر خیام را به عنوان یک فیلسوف و ریاضیدان می‌شناختیم تا یک شاعر برجسته. معرفی خیام به عنوان یک شاعر برجسته توسط غربی‌ها صورت گرفته می‌گویند حدود ۲۰۰ سال پیش فیتز جرالد شاعر انگلیسی به رباعیات خیام دست می‌یابد و آنچنان بر روح و روان او تاثیر می‌گذارد که اقدام به ترجمه آنها می‌کند و این ترجمه اندک اندک به سایر کشورهای اروپایی راه پیدا می‌کند و اروپایی آن زمان را که شدیداً به افکار و ذوقیات خیام نیاز داشت، درمی‌نورد چرا که اروپا در آن زمان به علت مشکلات روحی به اندیشه «دم را غنیمت شمردن» و «فکر دیروز و فردا را از ذهن بیرون کردن»، نیاز داشت. بیان این اندیشه در قالب ادبیات، عطفش آثار از حدودی سیراب می‌کرد. با ترجمه جرالد اقبال اندیشه و ذوق خیام در ادبیات اروپا تاثیر گذاشت به طوری که امروزه کمتر محفل ادبی در اروپا هست که خیام را به عنوان یک شاعر غنایی نشناسد. جالب اینجاست که پس از ترجمه جرالد اقبال ایرانی‌ها به افکار و اندیشه‌های خیام بیشتر و بهتر شد. حتی از روی ترجمه انگلیسی رباعیات خیام ۳۰۰ ترجمه فارسی و عربی از این رباعیات صورت گرفت که این نمونه باز تاثیر یک ملت بر ملت دیگر است که در حوزه رسالت ادبیات تطبیقی می‌گنجد.

– **حال این سوال پیش می‌آید که آیا منظومه عاشقانه لیلی و مجنون اصالت ایرانی دارد یا عرب؟**
لیلی و مجنون دو پسر عمود دختر عمو بودند که در محیط عربی و در صحرایین چوپانی عاشق یکدیگر می‌شوند، سخن عشق این دو در تمام اقوام قبیله‌طین‌نژاد می‌شود، اما پدر لیلی به شدت مخالف‌وصال این دو عاشق دلباخته می‌شود و این دو در فرق یکدیگر می‌سوزند و می‌سازند این مایه‌به زمین تا آسمان فارسی می‌شود اما راهی که سایر کشورهای اروپایی پیش می‌گیرند آنچیز در ادبیات عرب بوده است تا آسمان متغولات است چرا که این قصه در ادبیات عرب شکل زمینی دارد و در ادبیات فارسی روح آسمی، شاعرانی مانند نظامی،سعدی،مولانا،جلایی،امیر خسرو،دهلوی،هرکلام،بنوعی و بانگلهی که البته همه‌تنگهائی آنهاعرفانی بوده‌این قصه را می‌پروازندو گسترش می‌دهند.بنابراین اصل قصه عربی است اما لاجا و شعری ایرانی به آن روحی تازه بخشیده و آن روح را در قالب و شکل ادبی پرورش دادند که با علم عربی قصه تفاوت فراوان دارد.